

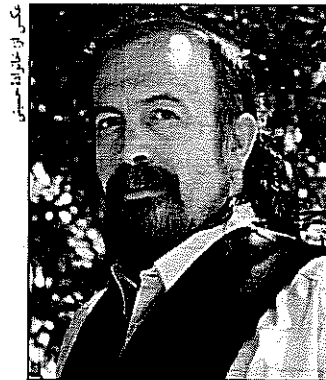
مجموعه‌ای از نثرهای عاشورایی حسینی است؛ بیدل، سپهری و سبک هندی (تهران ۱۳۶۷ ش)، که جزو نخستین پژوهشهای بیدل‌شناسی در ایران است و تسلط وی را بر شعر فارسی و خصوصاً سبک هندی نشان می‌دهد؛ مُشت در نمای درشت (تهران ۱۳۸۱ ش)، که مقایسه ادبیات و سینما از منظر معانی و بیان است و پژوهشی جدید در این حوزه محسوب می‌شود (سعدی، ص ۴۲-۴۶)؛ حمام روح (تهران ۱۳۶۳ ش)، که ترجمه گزیده‌ای از آثار جبران خلیل جبران* است؛ نگاهی به خویش (تهران ۱۳۸۱ ش)، مجموعه گفتگوهای شاعران معاصر عرب، که حسینی آن را با همکاری موسی بیدج ترجمه کرده است؛ و گزیده‌ای از شعر جنگ و دفاع مقدس (۱۳۸۱ ش) با توضیحات.

منابع: اسماعیل امینی، «گفتن و نگفتن: نگاهی به طنزآوری دکتر سیدحسن حسینی در نوشداروی طرح ژنریک»، شعر، ش ۴۱ (اردیبهشت ۱۳۸۴)؛ اندوهیاد شاعر سحرزاد، تهران: انجمن شاعران ایران، [بی‌تا]؛ حسن حسینی، «سیدحسن حسینی از زبان سیدحسن حسینی»، شعر، همان؛ همو، گنجشک و جبرئیل: مجموعه شعر (۱۳۶۴-۱۳۶۳)، تهران ۱۳۸۶ ش؛ همو، نوشداروی طرح ژنریک، به انضمام چند قلم سروده دیگر، تهران ۱۳۸۳ ش؛ حسن ذوالفقاری، «دکتر سیدحسن حسینی»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره ۱۸، ش ۲ (زمستان ۱۳۸۳)؛ نعمت‌الله سعیدی، «شکستن خط با قدم زدن: حاشیه‌هایی بر کتاب مُشت در نمای درشت»، شعر، همان؛ سیدالشعرا انقلاب: ویژه‌نامه هفتمین روزکوی سیدحسن حسینی، به کوشش ابراهیم ترکی، [تهران] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳ ش؛ حمیدرضا شکارسری، «التزام سرخ: نگاهی به مجموعه شعر گنجشک و جبرئیل»، در همان؛ محمدکاظم کاظمی، «حادثه‌ای در شعر عاشورایی: نگاهی به مجموعه شعر گنجشک و جبرئیل»، در همان؛ احمد نادمی، «شهادت‌نامه»، در همان؛ سعید یوسف‌نیا، «نامی در نوشداروی طرح ژنریک»، شعر، همان.

/ بهرام پروین گنابادی /

حسینی، عارف حسین، از روحانیان شیعی پاکستان

و رهبر نهضت جعفریه*. عارف حسین، فرزند سید فضل حسین، در ۴ آذر ۱۳۲۵ / ۲۵ نوامبر ۱۹۴۶ در روستای پیوار، از توابع شهرستان پاراچنار*، در پاکستان، در خانواده‌ای مذهبی و روحانی از سادات پاکستان به دنیا آمد. زادگاه او در نوار مرزی پاکستان و افغانستان قرار گرفته است که در آن سه قبیله غندی‌خیل، علی‌زئی و دویرزئی زندگی می‌کنند. حسینی از قبیله پشتون* دویرزئی بود. سلسله‌نسب او به شاه شرف بوعلی قلندرن سید فخر ولی می‌رسد که در کرمان مدفون است. چون نسب ایشان را به حسین الاصر، فرزند امام زین‌العابدین علیه‌السلام، منتهی می‌دانند، خاندان وی به حسینی



سیدحسن حسینی

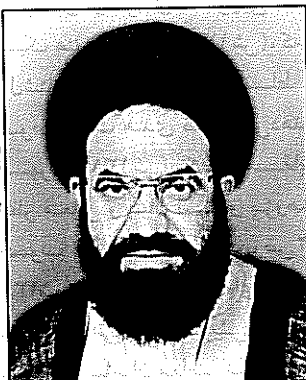
(۳۸) را، از مجموعه گنجشک و جبرئیل، شاید بتوان تبلور اشعار عاشورایی حسینی دانست که بسیاری از ناقدان و خوانندگان شعر، آن را تحسین کرده‌اند. تصاویر چند لایه، همراه با شبکه‌ای از ایهامها و تناسبا و اغراقها و تلمیحات

مناسب، شعری عمیق و ناب آفریده است (س. شکارسری، ص ۱۷؛ کاظمی؛ ذوالفقاری، همانجاها). در این دفتر با اینکه حسینی با مهارت توانسته است از صراحت رایج در اشعار مذهبی بپرهیزد، اما اشعار این دفتر از فهم خوانندگان عادی چندان دور نیست و به همین دلیل بارها به چاپ رسیده است (س. کاظمی، همانجا).

دیگر اثر حسینی، نوشداروی طرح ژنریک (تهران ۱۳۸۳ ش) است، مشتمل بر سروده‌هایی مستقل و در عین حال به هم پیوسته، در قالب نیمایی، به زبانی ساده و طنزی تلخ. تناسبات لفظی و معنوی، ایهام و ایهام، کاربرد هوشمندانه قافیه، ایجاز و بهره‌گیری از واژه‌ها و ترکیبهای عامیانه و روزمره، از ویژگیهای عمده این مجموعه است (س. حسن حسینی، ۱۳۸۳ ش، مقدمه سعید یوسف‌نیا، ص ۸-۱۱). برخی ناقدان، شیوه طنزپردازی، زبان مناسب، شخصیت‌پردازی و شگردهایی را که شاعر برای ملموس‌تر کردن این اشعار به کار گرفته است، ستایش کرده‌اند (س. امینی، ص ۲۹-۳۰؛ یوسف‌نیا، ص ۳۲-۳۳). با توجه به دشواری فهم و قرائت اشعار بیدل دهلوی، یکی از کارهای ارزشمند حسینی، قرائت تمامی غزلیات بیدل است که در چهار لوح فشرده، با نام متن کامل غزلیات بیدل دهلوی، ضبط شده و پس از مرگش، انجمن شاعران ایران آن را در تهران منتشر کرده است.

دیگر آثار حسینی عبارت‌اند از: سفرنامه گردها (تهران ۱۳۸۶ ش) که مجموعه اشعار کلاسیک حسینی است و نیز ملکوت سکوت (تهران ۱۳۸۵ ش) که مجموعه اشعار سپید و نیمایی اوست (هر دو با مقدمه قیصر امین‌پور). مجموعه شعر از شرابه‌های روسری مادرم (تهران ۱۳۸۵ ش) در وصف حضرت فاطمه‌زهرا سلام‌الله‌علیها، که پس از درگذشت حسینی با مقدمه قیصر امین‌پور منتشر شد؛ بُراده‌ها (تهران ۱۳۶۵ ش)، که مجموعه‌ای است از کلمات قصار و کاریکلماتور که جامعه ادبی از آن استقبال کرده است؛ طلسم سنگ (تهران ۱۳۸۱ ش)، که

معروف است (رضاخان، ص ۲۳). اجداد او که بسیاری از آنان روحانی و مبلغ بودند - برای نشر معارف اسلامی و اهل بیت علیهم السلام در منطقه پیوار و نواحی آن فعالیت داشتند. حسینی دوران کودکی را در زادگاه خود سپری کرد و قرآن



عارف حسین حسینی

کریم و تعالیم ابتدایی دینی را نزد پدرش، که روحانی بود، فراگرفت. سپس به مدرسه رفت و بعد از اتمام دوره دبستان و راهنمایی، راهی دبیرستانی در پاراچنار گردید. در ۱۳۴۳ ش دیپلم گرفت و پس از آن به مدرسه جعفریه پاراچنار رفت و فراگیری دروس دینی را نزد حاجی غلام جعفر لقمان خیل آغاز کرد و در مدت کوتاهی ادبیات عرب را فراگرفت. زبان مادری او پشتو بود. علاوه بر آن، وی به فارسی و عربی و اردو نیز تسلط داشت (نقوی، ص ۱۵۵، ۱۵۹).

حسینی در ۱۳۴۶ ش برای ادامه تحصیل به نجف رفت و علاوه بر تکمیل دانش ادب عربی نزد مدرّس افغانی، استاد معروف ادبیات عرب در حوزه نجف و سپس قم، دروس سطح مقدماتی و عالی فقه و اصول را نزد استادان مختلف آموخت. وی توسط آیت الله مدنی با امام خمینی آشنا شد و در حلقه درس ایشان شرکت کرد (رضاخان، ص ۲۳؛ نقوی، ص ۱۵۵). در ۱۳۵۲ ش، او را به جرم شرکت در فعالیتهای انقلابی، دستگیر و زندانی و پس از مدتی از نجف اخراج کردند. وی به زادگاه خود بازگشت و ده ماه در پاراچنار به تبلیغ دین پرداخت. در همین زمان ازدواج کرد (رضاخان، ص ۴۴). در ۱۳۵۳ ش دوباره تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل به نجف برود، اما دولت عراق به وی روایت نداد؛ از این رو، در همان سال راهی قم گردید و نزد اساتید این حوزه، آقایان مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی، حرم پناهی و سید کاظم حائری، اصول و فقه و تفسیر آموخت. همچنین از درس فلسفه مرتضی مطهری بهره برد.

او هنگام تحصیل در قم در تظاهرات برضد حکومت پهلوی شرکت می کرد و به همین سبب بازداشت شد. چون وی از امضای تعهدنامه، مبنی بر شرکت نکردن در تظاهرات و سخنرانیها و ارتباط با انقلابیون، خودداری کرد، در اواخر دی ۱۳۵۷، مجبور به ترک ایران شد و به پاکستان بازگشت. او از ۱۳۵۷ ش تا اواخر ۱۳۶۳ ش در مدرسه جعفریه پاراچنار به

تدریس پرداخت. حسینی از مدرسه جعفریه پاراچنار در شبهای جمعه به دانشگاه پشاور می رفت و اخلاق اسلامی تدریس می کرد (رضاخان، ص ۵۶-۵۷). با ایجاد نهضت جعفریه در ۱۳۵۸ ش، وی به آن پیوست. مفتی جعفر حسین، رهبر و بنیانگذار نهضت جعفریه، حسینی را به عضویت شورای عالی سازمان در آورد. توانایی او در مدیریت کارهای جمعی موجب شد تا پس از درگذشت مفتی جعفر حسین در شهریور ۱۳۶۲، شورای عالی نهضت جعفریه در بکرا / بهکر، به اتفاق آرا، او را به رهبری شیعیان و ریاست نهضت برگزیند (برای بررسی دوران رهبری عارف حسین حسینی در نهضت جعفریه - جعفریه، نهضت).

حسینی چهل و بی سواد را علت اصلی عقب ماندگی و انحطاط جامعه اسلامی می دانست و برای مبارزه با بی سواد و خرافه پرستی، اقدام به تأسیس مراکز فرهنگی (مانند مدرسه و کتابخانه و مسجد) نمود، از جمله مدرسه دارالمعارف الاسلامیه، جامعه اهل البیت و انوار المدارس.

وی علاوه بر توجه به نیازهای فرهنگی، عبادی و مذهبی مردم، به نیازهای بهداشتی و اقتصادی آنان نیز توجه داشت؛ لذا در مناطق محروم چند بیمارستان و درمانگاه تأسیس کرد، از جمله شفاخانه علمدار در شهرستان پاراچنار و یک درمانگاه در کراچی.

حسینی در ۱۴ مرداد ۱۳۶۷ در مدرسه دارالمعارف الاسلامیه پشاور، از سوی افراد ناشناس، هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

امام خمینی در این حادثه، ضمن دادن پیام تسلیت هیئتی را برای شرکت در تشییع جنازه حسینی اعزام کرد. زرنال ضیاء الحق، رئیس جمهور وقت پاکستان، نیز با هیئتی عالی رتبه، در تشییع جنازه حاضر شد. جنازه حسینی را به زادگاهش بردند و در کنار مزار یکی از سادات به خاک سپردند.

منابع: زندگی نامه علامه شهید عارف حسین الحسینی از ولادت تا شهادت، تهیه کننده مؤسسه شهیدالحسینی، قم نشر شاهد، ۱۳۶۹ ش (مطلب مقاله عمدتاً برگرفته از این منبع است)؛ تسلیم رضاخان، سفیر نور، لاهور ۱۹۹۸؛ حسین عارف نقوی، تذکره علمای امامیه پاکستان، ترجمه محمد هاشم، مشهد ۱۳۷۰ ش.

/ محمد جواد برهانی /

حسینی، عبدالقادر، فرمانده نظامی و مبارز فلسطینی در سالهای سلطه انگلیس بر فلسطین و مقارن با اشغال صهیونیستی آن. وی بین سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸/۱۹۰۷-۱۹۱۰ در استانبول به دنیا آمد (عیسی خلیل محسن، ص ۱۳۵،